فهرست مطالب

[اشاره 2](#_Toc480277873)

[ذکر روایات مرحوم مجلسی با موضوع بداء در بحارالانوار 2](#_Toc480277874)

[اهمیت بداء به لحاظ محتوایی و ثبوتی 2](#_Toc480277875)

[اقسام عبادات 3](#_Toc480277876)

[بداء متمم توحید 3](#_Toc480277877)

[بداء با تفسیر صحیح شیعی در قرآن 3](#_Toc480277878)

[انواع قضای الهی 4](#_Toc480277879)

[تأثیر اختیار بشر در لوح محو یا اثبات خداوند تبارک‌وتعالی 5](#_Toc480277880)

بسم‌الله الرحمن الرحیم

**موضوع: اصول فقه/عام و خاص/ بداء**

# اشاره

بحث بداء ربطی به اصول و فقه ندارد، با ملاحظه روایات و اقوال متکلمین برجسته شیعه بداء در مورد خداوند تبارک‌وتعالی به معنای بداء ظهور بعد الخفاء و یا علم بعد الجهل نیست، قائل به این قول بودن، موجب اسناد معاذ الله جهل به خداوند تبارک‌وتعالی است و در این صورت کفر است، شعار بدائی که در شیعه هست، به این معنا نیست.

بلکه بداء به معنای ابداء بعد الاخفاء و اظهار بعد از الخفاء است؛ برای دیگران، مطلب روشن نبوده و بعد روشن می‌شود.

# ذکر روایات مرحوم مجلسی با موضوع بداء در بحارالانوار

مسئله بداء اهمیت بالایی با توجه به روایات از منظر شیعه با تفسیر درست دارد، در بحار مرحوم علامه مجلسی حدود هفتاد خبر در زمینه نسخ و بداء جمع‌آوری کرده‌اند، با این توصیف از حد خبر واحد بیرون است، بلکه مستند قوی دارد، لااقل استفاضه اطمینان آور دارد و تواترش هم بعید نیست و به اذعان مرحوم مجلسی از حد خبر واحد بیرون است.

# اهمیت بداء به لحاظ محتوایی و ثبوتی

اهمیت بداء به لحاظ محتوایی و ثبوتی با توجه به این روایت بالاست، جلد چهارم بحارالانوار کتاب توحید باب دوم صفحه 107 این‌طور روایت شده که «**أبی (رحمهم الله)، قال: حدثنا محمد بن یحیی العطار، عن أحمد بن محمد بن عیسی، عن الحجال، عن أبی اسحاق ثعلبة، عن زرارة، عن أحدهما یعنی أبا جعفر و أبا عبدالله (علیه السلام) قال: «مَا عُبِدَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ بِشَيْ‏ءٍ مِثْلِ الْبَدَاء**»[[1]](#footnote-1)، مثل بداء چیزی در عبادت خداوند وجود ندارد، روایت بعدازاین این‌طور ذکرشده که امام صادق علیه‌السلام فرمودند: «**ما عُظِّمَ اللّهُ عزّ و جلّ بمِثلِ البَداءِ**»، خداوند به‌اندازه بداء به چیز دیگری تعظیم نشده است، قریب به این مضمون این‌طور آمده است، مثل روایت بیست و ششم امام صادق علیه‌السلام فرمودند: «**حدثنا علی بن أحمد بن محمد بن عمران الدقاق (رحمهم الله)، قال: حدثنا محمد ابن یعقوب، قال: حدثنا علی بن ابراهیم، عن محمد بن عیسی، عن یونس بن عبد الرحمن، عن مالک الجهنی قال: سمعت أبا عبدالله (علیه السلام) یقول: «لَوْ يَعْلَمُ النَّاسُ مَا فِي الْقَوْلِ بِالْبَدَاءِ مِنَ الْأَجْرِ مَا فَتَرُوا عَنِ الْكَلَامِ فِيه‏**»،[[2]](#footnote-2) اگر مردم می‌دانستند بداء چقدر ارزش و اجر دارد؛ در آن سستی نمی‌کردند.

# اقسام عبادات

عبادت انواع و اقسامی دارد، یک قسم جوارحی است و قسم دیگر آن جوانحی است، گاهی اوقات اگر جوانحی نباشد، جوارحی به مشکل می‌خورد، در بداء هم حتی مباحثه در مورد آن عبادت است و ثواب دارد.

تفسیر درست بداء در کلمات متکلمین پیشین و عصر اول مثل شیخ مفید، شیخ طوسی، سید مرتضی و امثالهم آمده است و در خود روایات آمده است، تفسیر درست بداء؛ تفسیری است که مستلزم جهل در مورد خداوند نباشد.

مستفیضه بودن اخبار بداء

مطلب دیگر این است که مستند اعتقاد به بداء با تفسیر صحیح، خبر واحد ظنی نیست، خبر مستفیض؛ بلکه خبر متواتر است، بیش از هفتاد روایت مرحوم مجلسی در بحارالانوار جمع‌آوری کرده‌اند، به شکلی مستند بداء خود قرآن هم هست.

# بداء متمم توحید

مطلب دیگر این است که در روایات اعتقاد به بداء را یک عبادت به شمار آورده‌اند، اعتقاد به بداء در حد اصل توحید نیست، اما به شکلی متمم توحید به شمار آمده است، بحث در مورد بداء عمل دارای ثواب به شمار آمده است.

# بداء با تفسیر صحیح شیعی در قرآن

مطلب دیگر این است که مطابق روایات؛ آیاتی از قرآن در خصوص بداء تفسیر شده است، مثل آیه «**ما نَنْسَخْ مِنْ آيَةٍ أَوْ نُنْسِها نَأْتِ بِخَيْرٍ مِنْها أَوْ مِثْلِها أَ لَمْ تَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ عَلي کُلِّ شَيْءٍ قَديرٌ**»،[[3]](#footnote-3) مرحوم مجلسی این آیات را در ابتدای کتاب نسخ و بداء ذکر کرده‌اند، البته عمده روایات در این باب؛ مربوط به بداء هست.

آیه 39 سوره رعد نیز به بداء نسبت داده شده: **«**[**يَمْحُوا اللَّهُ ما يَشاءُ وَ يُثْبِتُ وَ عِنْدَهُ أُمُّ الْکِتابِ**](http://tadabbor.org/?page=quran&SID=13&AID=39)»،[[4]](#footnote-4) همه آجال نوشته شده و مکتوب است، آنی که ثبت شده، بعضی را خداوند محو می‌کند و بعضی را اثبات می‌کند، کتابی که شامل همه آجال و سرنوشت‌ها هست، نزد خداوند تبارک‌وتعالی هست، این آیات اشاره به دو سطح قضا دارد، یک قضای محتوم نهایی است و قضاهای غیر محتوم است که خداوند تبارک‌وتعالی بعضی را محو و بعضی دیگر را اثبات می‌کند.

فخری رازی و مفسرینی از عامه هستند که اعتقاد به بداء به این معنا ندارند و آن را معاذ الله اسناد جهل به خداوند می‌دانند، اما باید توجه داشت که دو نوع قضا وجود دارد:

# انواع قضای الهی

1- قضای قطعی

2- قضای غیرقطعی و اینکه در سطح قضای غیر حتمی تبدیل و تبدلی که رخ می‌دهد، در خود قرآن وجود دارد که روی دیگر بداء است که حالت تعلیق دارد.

بنابراین بداء در قرآن ذکر شده است، مطلب دیگر این است که علم و قضا خداوند دو مرحله دارد:

1- در یک مرحله ام الکتاب است و ثابت است.

2- مرحله دیگر حالت تعلیق و اناطه وجود دارد که مرحله محو و اثبات است، آیه 39سوره رعد به هر دو اشاره دارد.

مطلب دیگر این است که در روایات ذکر شده، بداء مقابل آن چیزی است که به یهود نسبت داده شده که می‌گفتند: «**يَدُ اللَّهِ مَغْلُولَةٌ**»،[[5]](#footnote-5)

بعضی چیزها را خداوند مقدر می‌کند و در مرتبه محو و اثبات؛ تغییر پیدا می‌کند.

در اینجا بیشتر تأکید بر بداء هست، به این معنا که در مرتبه دوم قضا لوح محو و اثبات است، این مطلب بیشتر جنبه تربیتی دارد، برای اینکه انسان‌ها با اعمالشان می‌توانند سرنوشت‌های غیرقطعی را تغییر بدهند و برای این است که توجه به اختیار بکنند، مثل‌اینکه توجه به این مطلب بشود که اگر صدقه داده شود عمر زیاد می‌شود، در زندگی تکوینی و زندگی تشریعی انسان تأثیر دارد، نظام علی و معلولی در دنیا هست که با اختیار می‌شود سرنوشت‌ها را تغییر داد و سعادت جلب شود.

# تأثیر اختیار بشر در لوح محو یا اثبات خداوند تبارک‌وتعالی

لازمه اختیار بشر و توجه او به این اختیار، در مسئله لوح محو و اثبات است که به قضای غیر محتوم توجه داشته باشد، حقیقتی است که در عالم وجود دارد و همچنین ارزش تربیتی بالا دارد.

مرحوم علامه معمولاً به فلاسفه زیاد ایراد وارد می‌کنند، درصورتی‌که حل بعضی از این‌ها بدون فلسفه امکان ندارد.

1. - بحار الأنوار (ط - بيروت)، ج‏4، ص: 107. [↑](#footnote-ref-1)
2. - همان، ص: 108. [↑](#footnote-ref-2)
3. - بقره/ 106. [↑](#footnote-ref-3)
4. - رعد/ 39. [↑](#footnote-ref-4)
5. - مائده / 64. [↑](#footnote-ref-5)